



روان‌شناسی نواده خانگی نقش تربیتی آن

دکتر علی اصغر احمدی
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

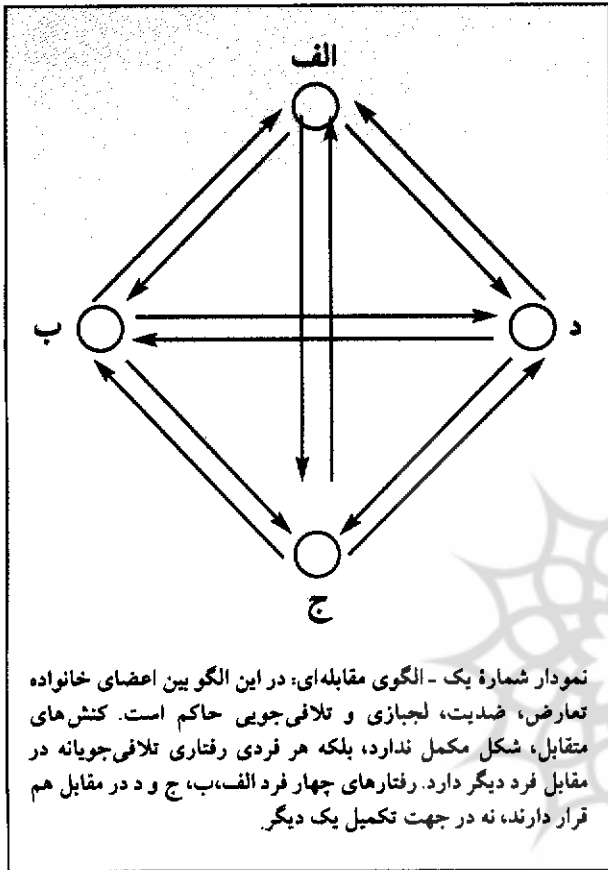
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴- الگوی مقابله‌ای

در برخی از خانواده‌ها الگویی از تعامل به شکل تلافی جویی، مقابله به مثل و انتقام کشی شکل می‌گیرد که آن را الگوی مقابله‌ای می‌نامیم. در این الگو جو غالب، واکنشی است؛ یعنی اغلب اوقات وقتی از عضوی از اعضای خانواده بپرسیم چرا فلان کار را انجام دادی؟ او در جواب عبارتی را به کار می‌برد که دال بر عکس العمل او در مقابل رفتار دیگری، از عضوی دیگر است. عبارت‌های زیر نمونه‌هایی از

در شماره قبل، یکی دیگر از الگوهای تعاملی خانواده، تحت عنوان «الگوی سلطه‌گر» مورد بحث قرار گرفت. در این بخش از سلسله مقالات «روان‌شناسی خانواده و نقش تربیتی آن»، به بررسی «الگوی مقابله‌ای» می‌پردازیم.

است. در این نمودار رفتارهای مقابله‌ای به شکل دو خط موازی و متضاد ترسیم شده است. مقصود از توازی این خطوط، داشتن جنبه کنشی و واکنشی آن‌ها و مقصود از تضاد آن‌ها، داشتن جنبه مقابله‌ای است.



الگوی مقابله‌ای از ابتدای زندگی وجود ندارد، بلکه پس از شکست الگوهای دیگر شکل می‌گیرد. اغلب زن و شوهرهای ایرانی، زندگی خود را به صورت یکی از دو الگوی پذیرا و پویا یا سلطه‌گر (آن هم از نوع مرد سالارانه) آغاز می‌کنند.

وقتی که زندگی با الگوی پذیرا آغاز می‌شود، زن و شوهر به شکل افراطی و ناپخته، از خواست‌های خود گذشته و خواست طرف مقابل را اجابت می‌کنند. در این شیوه هر فرد متواضعانه در صدد ارضای خواست‌های طرف مقابل است؛ گویی خودش هیچ تقاضایی ندارد. در این مرحله تعارف‌ها و از خودگذشتگی‌ها، شکلی افراطی به خود گرفته، برای زنان و مردان مسن‌تر، به شکل رمانتیک یا بچه‌گانه جلوه‌گر می‌شود.

این واقعیت است:

- به تلافی کتک‌هایی که به من زده‌ای، کاری می‌کنم که آب خوش از گلویت پایین نرود.
- این همه تو به من دستور می‌دهی، یک بار هم من به تو



دستور می‌دهم.

- تا کی بینم و قورت بدم، دیگه جونم به لبم رسیده، نمی‌تونم تحمل کنم، هر چی به زبونم بیاد، می‌گم.
زدی؛ خوردی. گفتی؛ شنیدی.
- چه طور زخم در عزا و عروسی ما شرکت نمی‌کنند؟ من هم قدم در خانه فامیل او نمی‌گذارم.
- مگه در کارهایی که می‌کنی از من اجازه می‌گیری، که من از تو اجازه بگیرم؟
- رسم شما اینه؟ رسم ما هم اینه.

رفتارهای مقابله‌ای اغلب به شکل آشکار انجام می‌گیرد. یعنی فرد در مقابل رفتاری که از دیگری می‌بیند، فی الفور واکنشی تلافی‌جویانه از خود نشان می‌دهد. این نوع واکنش را واکنش آشکار می‌نامیم. شکل دیگری از این نوع عکس‌العمل، واکنش مکنون است. واکنش مکنون، تمایل به واکنش در ذهن و درون فرد است. ویژگی مهم واکنش مکنون این است که فرد به هنگام مشاهده رفتار فرد مقابل، به ظاهر صبوری پیشه می‌کند و واکنشی از خود نشان نمی‌دهد، لکن در باطن و ذهن آن رفتار را نگه می‌دارد و نه تنها به سادگی از آن نمی‌گذرد، که آن را پرورش می‌دهد و بزرگ می‌کند، تا این که در روز یا روزهایی آن را به نحوی آشکار کند. چنین فردی، اغلب در توصیف گذشته می‌گوید: «با من چنین کردند، ای کاش من همان موقع جوابشان را می‌دادم.» یا این که می‌گوید: «اگر من همان موقع جوابشان را می‌دادم، کار به این جا نمی‌کشید.»

کسانی که به سادگی نمی‌توانند وقایع و رفتارهای اطرافیان را فراموش کنند و در ضمن واکنش به موقع از خود نشان نداده، آن را به شکل مکنون در درون خود نگه می‌دارند، به مرور زمان در زندگی زناشویی دچار مشکلات پیچیده‌ای می‌شوند که به آسانی قابل حل نیست. واکنش‌های تقابلی در نمودار شماره یک ترسیم شده

کسانی که به سادگی نمی‌توانند وقایع و رفتارهای اطرافیان را فراموش کنند و در ضمن واکنش به موقع از خود نشان نداده، آن را به شکل مکنون در درون خود نگه می‌دارند، به مرور زمان در زندگی زناشویی دچار مشکلات پیچیده‌ای می‌شوند که به آسانی قابل حل نیست.

چنین نقشی برآید، به تدریج با مداخله، انتقاد، ارشاد و عکس‌العمل همسرش مواجه می‌شود. همسر بر این اساس، با زیر سؤال بردن تدریجی اعمال و تصمیمات شوهرش، سلطه‌گری او را به چالش می‌کشد. ممکن است مقابله‌ای عمل کردن او از آن جایی شروع شود که زن در مقابل تصمیم شوهرش تصمیم دیگری بگیرد یا در مقابل کاری که انجام داده، عمل کاملاً متفاوتی را انجام دهد. برای مثال، ممکن است مرد با همان ظاهر مردسالارانه وسیله‌ای را در جای خاصی از خانه قرار دهد و زن با حالتی توأم با اعتراض، آن را جا به جا کرده، در جای دیگر بگذارد. یا این که مثلاً مرد وسیله‌ای را سفارش بدهد و زن آن وسیله را پس فرستاده،

چنین شکلی از آغاز زندگی، نمی‌تواند نشانگر استمرار آن به صورت یک الگوی پذیرا و پویای واقعی باشد. حتی ممکن است این دوره بسیار سریع سپری شود؛ یعنی قبل از آغاز زندگی مشترک، در همان دوره نامزدی، جایش را به الگوی مقابله‌ای بدهد.

علت این تغییر الگو این است که از یک سو انسان نمی‌تواند تقاضا و خواستی نداشته باشد، و در یک زندگی مشترک می‌باید خواست‌های تمامی اعضا مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر اغلب اوقات در پشت این تعارف‌ها و از خود گذشتگی‌ها، توقعات و انتظارات جدی و عمیقی نهفته است که بسیار زود هم بروز پیدا می‌کنند. وجود ضرب‌المثل‌هایی مانند: «در دیزی بازه، حیای گربه کجا رفته؟» یا «تعارف اومد نیومد داره.» و نیز «هرهایی، هوئی داره» و «هر چی ما کوتاه می‌آییم، اونا پر روتر می‌شن» و... همگی نشانگر وجود لایه‌های عمیق‌تر در انتظارات ما ایرانیان، در ورای تعارفات و از خود گذشتگی‌های ظاهری است.

در چنین شرایطی، عقب نشینی‌های ظاهری و اولیه و نیز پذیرا بودن‌های ابتدایی را نباید نشانگر استمرار واقعی آن تلقی کرد. این عقب نشینی‌ها بیش‌تر به مثابه عقب نشینی تاکتیکی است که در پس آن حمله‌ای شدیدتر نهفته است.

وقتی که زندگی زناشویی با الگوی سلطه‌گر و مرد سالارانه آغاز می‌شود، در ابتدا سلطه‌گری مرد به صورت اظهار مسئولیت، غیرتمندی، مدیریت و... جلوه‌گر می‌شود. در چنین حالتی مرد با نشان دادن کفایت از خویش، می‌خواهد نقش رهبری و مدیریت خود را در زندگی مسجل کند. در صورتی که بتواند چنین نقشی را به انتها برساند و از طرف همسرش نیز پذیرفته شود، الگوی سلطه‌گر شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد و در شرایطی که نتواند از عهده





در شکل‌گیری

الگوی مقابله‌ای،

اغلب خانواده زن و شوهر

نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

دو خانواده

با مداخله کردن‌های کلامی

و عملی، زمینه را برای

تلافی‌جویی و مقابله به مثل

فراهم می‌آورند.

وسيلة دیگری سفارش دهد. این رفتارها، آغاز تبدیل شدن سلطه‌گری مردانه به یک تعامل مقابله‌ای است.

در شکل‌گیری الگوی مقابله‌ای، اغلب خانواده زن و شوهر نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. دو خانواده با مداخله کردن‌های کلامی و عملی، زمینه را برای تلافی‌جویی و مقابله به مثل فراهم می‌آورند. زندگی عده‌ای از زنان و مردان در جامعه ما، الگوی تمام و کمالی از گله‌گذاری‌ها و توقع داشتن‌هاست. زنان و شوهرانی که زندگی آنان براساس چنین الگویی شکل گرفته، وقتی قصه زندگی خویش را تعریف می‌کنند، دو فراز آشکار اصلی و یک فراز به ظاهر فرعی را می‌توان در سخنان آنان از هم تفکیک کرد:

۱- فراز اصلی از خود گذشته‌گی‌ها، صبر کردن‌ها، امتیاز دادن‌ها و... از طرف خود و خانواده خود.

۲- فراز اصلی سوء استفاده و ناسپاسی کردن‌ها، بی‌احترامی‌ها و... از طرف همسر و خانواده او.

۳- فراز فرعی واکنش‌های جزئی (مانند یک عصبانی شدن جزئی، یک دست بلند کردن مختصر، یک فحش کوچک، یک اشاره مختصر به کاری که مادر همسر انجام داده است و...) که از روی عصبانیت، ناچاری و تلافی‌جویی از طرف خود او یا خانواده‌اش، در مقابل همسر یا خانواده او انجام گرفته است.

در بیان این فرازها، یک خود میان بینی عمیق، که به سادگی قابل تشخیص و رفع از طرف زوجین و خانواده آنان

نیست، مشاهده می‌شود. آنان در بیان مشکلات خویش، خود را ستم دیده، ایثارگر، بزرگوار، بسیار منطقی، واقع بین و... نشان می‌دهند و همسر خود و خانواده او را بی‌ملاحظه، ناسپاس، خشن، گداصفت و خسیس، غیرمنطقی، تنگ‌نظر و... توصیف می‌کنند.

در زیر، یکی از وقایعی را که خانواده‌ای با الگوی تعاملی مقابله‌ای، برای من نقل کرده‌اند، می‌خوانید.

زن و شوهر که حدوداً ۵۰ ساله بوده، ۲۵ سال زندگی مشترک داشتند، به طور جداگانه نزد من آمدند و شرحی از زندگی خود را ارائه کردند. در صحبت‌های آن دو، دقیقاً الگوی سه فرازی فوق به چشم می‌خورد. رویداد زیر بخشی از صحبت‌های آنان است که در واقع علت مراجعه آنان به مشاور بود.

ابتدازن مراجعه کرد و ضمن شرح زندگی خود، آخرین واقعه‌ای را که در زندگی‌اش اتفاق افتاده و موجب شده بود



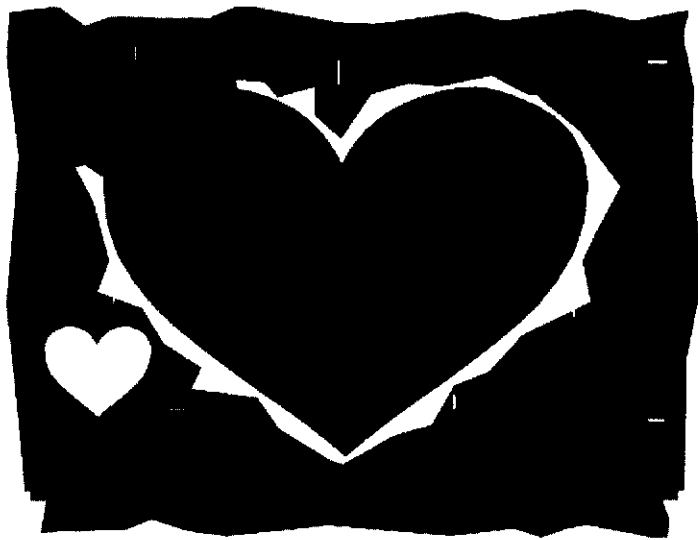
و به آرامی کنار ظرف شویی گذاشتم. زنم وقتی این رفتار مرا دید شروع کرد به بدو بیراه گفتن. او گفت و من چیزی نگفتم. با خودم گفتم خودش آرام خواهد شد. گفت و گفت و گفت. می خواستم به مسجد بروم، گفت من هم می آیم. از وقتی که داخل ماشین نشست شروع به گفتن کرد. باز هم من چیزی نگفتم. با خود گفتم به مسجد می رویم، آرام می گیرد. ولی وقتی از مسجد هم بیرون آمدیم، آرام نگرفت و گفت و گفت و گفت، تا این که به درخانه رسیدیم. آن جا بود که من دیگر خسته شدم و به آرامی ضربه ای به صورتش زدم.»

ذکر این نکته لازم است که تمامی زندگی این زن و شوهر، با چنین دیدگاهی مطرح می شد. آن دو تمام وقایع را با دیدگاهی خودمیان بینانه تعریف می کردند. چنین الگویی متأسفانه زیاد به چشم می خورد. در این الگو فرازهای گوناگونی از قهرها و به خانه پدری رفتن ها، کناره گیری های طولانی در زندگی زناشویی، جدا کردن بستر به طور مکرر و طولانی، لجبازی کردن های مکرر، گذشت کردن های جزئی و اقدام های کوچک برای دریافت پاسخی کلی و تغییر روشی اساسی از طرف همسر و... زیاد به چشم می خورد. این گونه زندگی ها، گاه تا پایان عمر استمرار می یابد، لکن با عدم رضایت مستمر و ناخوشایندی بی پایان همراه است.

مسلم است که اولین پایه های مقابله ای عمل کردن ها را زن و شوهر می گذارند. گله گذاری و به رخ کشیدن مدام و همیشگی رفتارها و گفتارهای گذشته و تلاش برای تلافی کردن گذشته ها، زیربنای مقابله ای عمل کردن زن و شوهر را تشکیل می دهد، که ممکن است دامنه آن به رفتارهای

پیش مشاور بباید، این گونه تعریف کرد: «چند روز پیش، بعد از ظهر، شوهرم در حیاط خانه مشغول کار بود. نزدیک غروب به من گفت چیزی بیاور بخورم. من هم مقداری نان و پنیر و چای داخل یک سینی گذاشتم و به حیاط بردم. قاشق چای خوری اندکی کثیف بود. وقتی چشم شوهرم به آن افتاد، شروع کرد به بدو بیراه گفتن. بد و بیراه گفت و من چیزی نگفتم. گفت و گفت و گفت. با خودم گفتم بهتر است چیزی نگویم تا خودش خسته شود و تمام کند. می خواست به مسجد برود. به او گفتم من هم می آیم. از وقتی که داخل ماشین نشستیم او باز ادامه داد و باز گفت و گفت. من با خودم گفتم اگر به مسجد برویم و بازگردیم، آرام خواهد شد. به مسجد رفتیم و بعد از نماز وقتی داخل ماشین نشستیم او مجدداً شروع به گفتن کرد. باز من چیزی نگفتم. گفت و گفت و گفت تا این که به درخانه رسیدیم. در این جا بود که من صبرم به سرآمد و به او گفتم: «بس است دیگر، چقدر می گویی. در این موقع بود که او با پشت دست محکم به صورتم زد.»

چند روز بعد، شوهر مراجعه کرد. او نیز با ارائه شرح حالی از زندگی زناشویی اش، که مملو از گله گذاری و ناسپاسی نسبت به همسر و خانواده او بود، واقعه فوق را این گونه تعریف کرد: «چند روز پیش در حیاط خانه مشغول کار بودم. به خانمم گفتم چیزی بیاور بخورم، می خواهم به مسجد بروم. او نیز مقداری نان و پنیر و چای، داخل یک سینی گذاشت و به حیاط آورد. بدون این که قصدی داشته باشم، قاشق چای خوری از دستم به زمین افتاد. قاشق را بر داشتیم



گله گذاری
و به رخ کشیدن مدام و
همیشگی رفتارها
و گفتارهای گذشته و تلاش
برای تلافی کردن گذشته‌ها،
زیربنای مقابله‌ای عمل کردن
زن و شوهر را
تشکیل می‌دهد، که ممکن است
دامنه آن به رفتارهای
فرزندان نیز تسری پیدا کند.

نمی‌شود بر سر جنازه او هم حضور پیدا کند، کینه‌ای دیرینه دارد که به این شکل تلافی می‌شود.

ویژگی‌های تعاملی در الگوی مقابله‌گر

- ۱- حاکمیت جو حساسیت، نکته‌بینی، دلگیری و سوء ظن.
- ۲- به رخ کشیدن دائمی بی‌حرمتی‌ها، ظلم‌ها، تهمت‌ها، دروغ‌ها و... از طرف مقابل.
- ۳- به رخ کشیدن دائمی زحمات، ایثارگری‌ها، صبوری کردن‌ها و... از طرف خود.
- ۴- حاکمیت جو نارضایتی، بدبختی، تباه شدن عمر و جوانی و...
- ۵- تلاش عملی و کلامی در جهت جبران گوشه‌ای از ستم‌هایی که هر کس دیده است، به اشکال گوناگون.

ویژگی‌های فردی اعضای خانواده در الگوی مقابله‌گر

- ۱- خود میان‌بینی شدید.
- ۲- احساس ستم دیدگی و تباه شدن توسط همسر و خانواده او.
- ۳- داشتن احساس درماندگی، که به شکل مقابله‌ای بروز پیدا می‌کند. این مقوله ممکن است به صورت تلاش برای پیشرفت در حیطه‌هایی خارج از زندگی خانوادگی تجلی پیدا کند.
- ۴- غلبه احساسات و عواطف بر جنبه‌های عقلانی.

فرزندان نیز تسری پیدا کند. تحقیقات گوناگون نشان می‌دهد که اگر رفتار اولیه افراد نسبت به یک دیگر، با الگوی تقابلی آغاز شود، استمرار این تقابل قوی‌تر از زمانی است که رفتار افراد بر مبنای همکاری و همدلی آغاز شده باشد. (فورسایت، ۱۳۸۰ ص ۴۷۶) در تأیید این مطلب باید بگوییم که اکثر زوجینی که با الگوی تقابلی به نزد من مراجعه کرده‌اند، گزارشی از اولین رفتارهای مقابله‌ای، از همان روزهای اول آغاز زندگی، داده‌اند. شوهری که با مشکل مقابله‌ای گسترده مراجعه کرده بود، می‌گفت: «در اولین شب ازدواجمان، وقتی میهمان‌ها رفته بودند و فقط مادر خانم همراه او بود، در فاصله‌ای که من به طبقه پایین رفته و در حال بازگشت بودم، در راه پله‌ها شنیدم که مادر همسرم به او می‌گوید: تو از شوهرت سرهستی. این حرف همیشه در ذهنم تکرار می‌شود و احساس می‌کنم از همان ابتدا خانواده همسرم مرا پایین‌تر از خودشان در نظر گرفته‌اند.»

علاوه بر آغاز زندگی بایک رویکرد مقایسه‌ای و تقابلی از نوع منفی آن، وارد آوردن فشار بیش از حد به فرزندان، به خصوص در سنین نوجوانی، و نیز احساس تبعیضی که ممکن است کودک و نوجوان در رفتار والدین خویش احساس کنند، می‌تواند منشاء مقابله‌ای عمل کردن فرزند در سنین جوانی و حتی بزرگ سالی شود. فرزندی که در سن شصت سالگی نیز چنان با مادرش قهر می‌کند که حاضر